

حرف و ایرادی بر

کتاب دستور زبان فارسی

دستور زبان فارسی

تالیف: دکتر حسن انوری

سلسله انتشارات آموزش

دانشگاه پیام نور

مدتی است که کار نوشتن دستور زبان پارسی، بالا گرفته است و هر کس که علم خود را به کمال ببیند، دست به قلم می‌شود و به زعم و برداشت و به مقدار بضاعت علمی و هوش خود، دست به تالیف و تدوین کتاب یا جزوه‌ای می‌زند و به دست چاپ و نشر می‌سیارد. و عجیب اینکه هر یکی، اصطلاح و تعبیر و تعریف تازه‌ای را درباره ارکان و واژگان و تعاریف ساختمان جملات و اصطلاحات این زبان دست و زبان بسته می‌آورد تا لابد متهم به رونویس کردن از روی دست دیگری نشود.

کار تحقیق و مذاقه و تدبیر در زبان هر قوم و ملتی و تالیف دست‌آوردهای علمی، کاری است پسندیده و ضروری که مایه باروری و گسترش زبان و روشن شدن پیچیدگیها و احیاناً "تاریکیهای ساختاری و تاریخی آن می‌شود. و کمکی به ادب و فرهنگ و هموار ساختن راه پژوهندگان و دوستاران زبان می‌شود. اما اینکه هر کس به زعم و مایه بضاعت خود، هر اصطلاح و تعریف را به نوعی عنوان و علم کند، بی شک سبب آشفتگی و تاریکی بیشتر در زبان و سر درگمی و گیجی پژوهندگان و علاقمندان و محصلین و مدرسین زبان در مکاتب و مدارس خواهد شد.

از جمله کسانی که در این راه سالهاست زحمت می‌کشد و تحقیق می‌کند و قلم می‌زند، یکی هم آقای دکتر حسن انوری است. و آنچه مورد نقد این مقاله است، کتاب/ دستور زبان پارسی/ است که برای استفاده دانشجویان دانشگاه پیام نور نوشته است. که جای

بسیار اما و ایراد دارد که در زیر چندتائی را برای آنکه مشتبی باشد و نمونه‌ای، ذکر می‌کنم باشد که مفید افتد .

۱ - تعریف باید جامع و مانع باشد . ، اما تعریفی که دکتر انوری در کتاب خود در مورد - جمله - داده است ، چنین نیست . ایشان مرقوم فرموده‌اند : "جمله مجموعه‌ای از کلمه‌هاست که اندیشه ، خواسته و عواطف ما را نشان می‌دهد . " ص ۴ این تعریف شامل جمله‌های خبری نمی‌شود . فی المثل جمله خبری / هوا بارانی است / یا / هواپیمای ارباس پرواز شماره ۱۶۲ هم اکنون به زمین نشست / یا / نمک طعام از ترکیب دو اتم کربن و سدیم ساخته شده است / ، در تعریفی که در این کتاب آمده است نمی‌گنجد . و همین خود کافی است تا تعریف فوق الذکر را به عنوان یک تعریف کامل و مانع و جامع برای / جمله / نپذیریم .

۲ - ساختمان جمله در این کتاب بر اساس دو دسته کلمات است ، نهاد و فعل . ص ۴ دسته اول نهاد است که به آن چیزهائی نسبت داده می‌شود . ص ۵ " نهاد یا مستندالیه یعنی کسی یا چیزی که چیزی یا امری به او اسناد داده شده است . " ص ۵

دسته دوم کلمه‌ها را / فعل / شمرده است . ص ۵
این تعاریف نیز کامل و جامع و مانع نیستند و ناقص‌اند :

الف - " نهاد قسمتی از جمله است شامل یک کلمه یا یک گروه اسمی که بر کسی یا چیزی یا مفهومی دلالت می‌کند و درباره آن خبری یا حکمی بیان می‌شود " ص ۲۳۶ دستور زبان فارسی دکتر خانلری . و به عبارت دیگر ، نهاد کسی یا چیزی یا مفهومی است که به آن کار یا حالتی نسبت داده می‌شود . در مثال / ترجم بر پلنگ تیز دندان - ستمکاری بود بر گوسپندان ، یا / فقر مایه فساد و تباهی است . / کلمه‌های / ترجم و فقر / نهاد اند و هر دو مفهوم‌اند و مشمول تعریف دکتر انوری از جمله نمی‌شوند چون بنا به تعریف دکتر انوری / ، کس و یا چیز نیستند . در حقیقت تعریف کتاب ایشان درباره / نهاد / ناقص است و مانع و جامع نیست .

ب - بخش دوم جمله را فعل می‌نامد و در تعریف فعل می‌گوید : " فعل کلمه‌ایست که انجام دادن و یا انجام گرفتن کاری یا داشتن و پذیرفتن حالتی را در زمان گذشته و حال و آینده نشان می‌دهد . " ص ۵ اما چون می‌بیند کلماتی نظیر / بود / ، / است / و / شد / را با تعریفی که از فعل داده ، نمی‌توان / فعل / نامید ، ناچار و از سر تسامح و گریز از آوردن دلیل ، آنها را / فعل ربطی / می‌نامد ص ۵ و می‌نویسد : " بعضی از فعل‌ها معنی کاملی ندارند و نمی‌توان آنها را به کسی یا چیزی نسبت داد . . . بلکه به وسیله آنها امری یا چیزی به کسی یا چیزی نسبت داده می‌شود . مانند / است / و / بود / و / شد / . " ص ۵

وقتی کلمه‌ای دارای خصوصیت / فعل / نباشد، چه لزومی دارد که آن را در تعریف / فعل / بگنجانیم و با تسامح و نوعی گریز، بر سر آن وایمانیم. کلمه‌هایی نظیر / است / و / شد / و / بود /، کلمات ربطی هستند و / فعل / نیستند. در جمله‌هایی که بیانگر انجام کاری نیستند و کاری صورت نگرفته، ارکان جمله عبارتند از نهاد و گزاره و کلمه ربطی. در اینگونه جملات، نه فاعل و نه فعل، هیچیک وجود ندارد.

ج - اصطلاح / نهاد / به جای / مسندالیه / و / گزاره / به جای مسند / در محافل ادبی و مدارس و دانشگاهها و کتب درسی، دهها سال است که عنوان و رایج شده و به خوبی هم پذیرفته شده و جا افتاده است. آقای دکتر انوری اصطلاح / نهاد / را پذیرفته‌اند، اما همچنان بر مسند کلمه / مسند / ایستاده‌اند و اصرار می‌ورزند. پذیرفتن یک اصطلاح جا افتاده آنهم بعد از ۲۷ سال نه تنها صواب و معقول است بلکه نشان یک کاسه کردن امر تعاریف دستور زبان پارسی است که متأسفانه هنوز هم میان ادبا و فضلا و مدرسین، مایه اختلاف و تشتت رای و نظر است.

د - در صفحه ۶ نوشته‌اند: "فاعل دو نوع است. گاهی کاری که انجام می‌دهد، در وجود خودش باقی می‌ماند. مانند / روئیدن / و / خوابیدن / . اما / نوشتن / در وجود خود شما (فاعل) تمام می‌شود. مثلاً / نامه / می‌نویسید. عمل / نوشتن / از شما (فاعل) شروع می‌شود و به / نامه / می‌رسد. تا ص ۸ و ۹. آیا بهتر نیست همچنان فعل را دو گونه بدانیم و نه فاعل را؟ و در این آشفته کاری و اختلاف آرا و نظرات دستور زبان نویسان، سعی در وحدت نظر داشته باشیم و آراء معقول را، مقبول بدانیم؟

۴ - در صفحه ۸ نوشته است: " / را / نشانه یکنوع مفعول است " و نوع دیگر بدون نشانه / را / است. همچنان که آقای دکتر انوری می‌دانند، در زبان پارسی تنها یک نوع / مفعول / وجود دارد و لاغیر. منتهی مفعولی که معرفه باشد دارای علامت / را / است و بس.

۵ - " بدل اسم یا عبارتی است که همراه اسم می‌آید تا نام دیگر یا لقب یا شغل و مقام یا شهرت یا یکی دیگر از خصوصیات آن اسم را بیان کند " ص ۹۴ خانلری
ذیل عنوان بدل در فرهنگ معین آمده: " ۴ - (نحو) ۱ - جانشین کردن کلمه را با کلمه دیگر، این کلمه را / مبدل / و اصل را / مبدل منه / گویند "
در مثالهایی که دکتر انوری ذیل عنوان بدل آورده‌اند، - در صفحه ۱۴ کتاب خود - اشکالاتی هست که در زیر می‌آید. مثال اول - شیخ رئیس بوعلی سینا کتاب قانون را نوشت. ص ۱۶ انوری. در این مثال شیخ رئیس، بدل است برای بوعلی سینا. درست چیزی خلاف نظر آقای دکتر انوری که / بوعلی سینا / را بدل پنداشته‌اند.

باید توجه داشت که بدل گاهی دنبال اسم می‌آید. مثل: / بوسعید مهنه شیخ محترم / بود در حمام با پیروی به هم. که / شیخ محترم / بدل است برای بوسعید. و گاهی پیش از اسم قرار می‌گیرد: پیغمبر اسلام محمد بن عبدالله ص خاتم انبیا بود. در مثال بالا،

پیغمبر اسلام / بدل / است برای محمد بن عبدالله صی مثال دوم از کتاب دکتر انوری ص ۱۶: شاعر بزرگ حافظ در شیراز به دنیا آمد. به نظر می‌رسد که این جمله نارساست. چرا که دست کم جمله باید چنین باشد: شاعر بزرگ (ایران) حافظ در شیراز به دنیا آمد. کلمه/ایران / برای کلمه/ شاعر / متمم اسم یا مضاف الیه است و ذکرش، ضروری است. که در هر حال، / شاعر بزرگ (ایران) / بدل است برای حافظ که خود این کلمه تخلص و نام مشهور شمس‌الدین محمد حافظ است. در این جمله نیز بدل قبل از اسم آمده است و آقای دکتر انوری در این مورد نیز دچار اشکال هستند. در مثال سوم هم آقای دکتر انوری دچار اشتباه هستند و تصور کرده‌اند که چون کلمه/ تهران / در جمله: پایتخت ایران تهران است، بعد از ترکیب اضافی/ پایتخت ایران / آمده، پس بدل است که چنین نیست. بلکه/ پایتخت ایران / بدل است و هكذا.

* * *

اما در مورد قسمت صرف کتاب، حرف و ایراد همچنان بسیار است که اگر ترس از هفتاد من کاغذ شدن در میان نبود، یک به یک را برمی‌شمردم. با اینهمه، مثنوی مختصر را برای نمونه می‌آورم و اضافه می‌کنم که بالاخره یک روز باید کار تدوین دستور زبان پارسی آنهم به شیوه‌ای علمی و مقبول با همت ادبا و فضلاء خیره در این دانش بسیار مهم و اساسی، و با کمک موسسات علمی و دانشگاهی و یا وزارت علوم و سازمان‌های آموزشی و تهیه و تدوین کنندگان کتب درسی سامان یابد و کتابی مفید و مقبول و جامع تهیه و در اختیار محصلین و مدرسین و دانشگاهها قرار داده شود تا کار تحصیل و تدریس آن بی‌اشفتگی و تناقض و اختلاف به صورت یکسان و یکدست انجام پذیرد. باری نشانه‌های تصغیر: در صفحه ۷۷ کتاب دستور زبان پارسی دکتر انوری حروف /ک/، چه، و/ را نشانه‌های تصغیر می‌شمارد و مثال‌هایی چون / کتابچه و باغچه و دخترک و یارو و خواجو و پسر و آورده است، که برای اطلاع ایشان و علاقمندان به زبان پارسی عرض می‌شود:

گاهی علائم سه‌گانه / چه / و / ک / در فارسی، علائم تصغیر به شمار می‌رود. چون: دفترچه، به معنی دفتر کوچک. اتاقک، به معنی: اتاق کوچک. معمولاً این علامت را با علائم دیگر اشتباه می‌کنند به خصوص دستور نویسندگان که همه جا این علائم را علائم تصغیر به شمار آورده‌اند. حال آنکه: کتابچه به معنای دفتر است، نه به معنای کتاب کوچک. پشمک نوعی شیرینی است، نه به معنای پشم کوچک. و... گردو، به معنی جوز و گردگان است، نه به معنی گرد کوچک.

در این سه لغت و لغات نظیر آن، سه علامت /ک/، و، چه/، علائم تسمیه است نه علائم تصغیر. منتهی تسمیه‌ای که از روی شباهت صورت پذیرفته. در نتیجه این سه علامت را علائم تسمیه به وجه شباهت می‌باید دانست.

این علائم سه‌گانه، به جز این، در موارد دیگر نیز به کار می‌رود. از این میان، یکی علامت /ک/ است در کلماتی چون: حیوانک، طفلک، دخترک، که مرحوم قزوینی آن را / کاف عطوفت / نامیده است و دیگر / و / در کلماتی چون: خالو، عمو، یارو و جز اینها، که همو آن را / واو استعطاق / نام نهاده است. شک نیست که فی المثل / عمو / معنی / عم کوچک / یا / یارو / معنای یار کوچک نمی‌دهد و به عبارت دیگر،

علامت / و/ در این دو لغت، از علائم تصغیر نیست . . ."

از اینگونه اشتباهات در کتاب آقای دکتر انوری بسیار است. از آن جمله صفت‌های بیان حال و دائمی را ذیل عنوان صفت فاعلی آوردن است.

صفتی نظیر: دانا، گیرا، رسا، بینا و . . . صفات دائمی هستند، نه فاعلی. همچنین صفتی چون: ترسان، لرزان، نیز صفات بیان حال‌اند نه صفات فاعلی. این صفت‌ها از بن مضارع به اضافه / ا / برای صفت دائمی و/ ان / برای صفت بیان حال ساخته می‌شود.

* * *

البته رنج و زحمت بسیاری که آقای دکتر انوری در تدوین این کتاب متحمل شده‌اند نزد اهل دانش و میان علاقمندان مشكور و قابل تقدیر است. این را می‌گویم تا تنها عیب می را نگفته‌باشم و یک نکته دیگر را بگویم و بگذرم که نوشتن دستور زبان پارسی با شروع آن در مباحث نحو هر چند قبلاً " آقای دکتر خانلری چنین کرده‌اند و لاقلاً یک مورد دیگر نیز من سراغ دارم ۱ ، اما این شیوه جالب و سودمندی است که امیدوارم جناب دکتر انوری در کار ارزنده خود موفق باشند.

۱ - دستور زبان فارسی برای دوم دبیرستانها - تالیف نگارنده

داروک

مجموعه نفیس خط

مدی سلاح

نیایشج انجان بشیری، فرغ فرزند، سپهر بیغنی کدنی، مال خانلری

مرکز پنخش: نشر چشمه، تهران، کریمخان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۷ تلفن: ۸۹۷۷۶۶
فروش در کلیه کتابفروشیها